

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری



دانشکده موسیقی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نوازندگی ساز جهانی

عنوان بخش عملی

رسیتال ترومپت و پیانو

استاد راهنما بخش عملی

آقای شریف لطفی

عنوان بخش نظری

تجزیه و تحلیل

استاد مشاور

آقای حمید رضا دیبازر

نگارش و تحقیق

سید علیرضا میر آقا

بهمن ۱۳۸۹

تشکر و قدردانی:

با تشکر قراوان از زحمات اساتید محترم آقایان شریف لطفی و حمید رضا دیبازز که در تمام مراحل مرا از راهنمایی ها و الطافشان بهره مند نمودند. امید است که با این پروژه بتوانم گوشه ای از زحمات بی دریغشان را جبران نمایم.

تقدیم به :

پدر و مادر مهربان و فداکارم که دلسوزانه در تادیب و تعلیم من تلاش کرده و در طی
دوران تحصیل همواره مشوق و یاورم بوده‌اند و امید وارم سالیان سال همچنان پا بر
جا باقی بمانند.

تعهد نامه

اینجانب.....اعلام می دارم که تمام فصلهای این پایان نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار(توسط اینجانب) انجام شده است .برداشت از نوشته ها، کتب، پایاننامه ها ، اسناد، مدارک علمی و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیرفارسی) با ذکر ماخذ کامل و به شیوه تحقیق عملی صورت گرفته است.

بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسوئلیت آن مستقیماً به عهده اینجانب خواهد بود.

امضاء

تاریخ

چکیده

در این پروژه به تحقیق در مورد موسیقی باروک و همچنین موسیقی معاصر قرن بیستم پرداخته ام و همچنین به فرم های رایج در این دوران و عوامل بارز و مشخصه های اصلی موسیقی در این دوران که آنها را از ادوار دیگر متمایز میکند نگاهی دارم.

برای بررسی و مطالعه بروی موسیقی باروک نمونه ای را از گئورگ فریدریش هندل آهنگساز آلمانی که در قالب یک سونات دو موومانی برگزیدم. این سونات برخلاف سونات های دوران باروک اولاً که یک سونات دو موومانی است در صورتی که اغلب موومان های این دوران سه موومانی می باشند.

-البته اسکارلاتی فرم سونات را در قالب یک موومان هم ارائه داده است و سونات های تک موومانی از آن به جا مانده است-ثانیاً که موومان اول این قطعه یک موومان آهسته است و فرم سونات در موومان دوم ارائه می شود که باز هم بر خلاف سونات های معمولی که ترتیب موومان های آن به صورت تند-کند-تند است ارائه می شود.

موسیقی قرن بیستم، موسیقی که هر لحظه ما را با یک اتفاق جدید شگفت زده می کند. در این جا به مطالعه در مورد یک سوناتین اثر ژان-میشل دوفای می پردازم. سوناتین یا به قولی سونات کوچک که در آن آهنگساز آزادانه تر از فرم سونات اصلی می تواند به آهنگسازی بپردازد. این سوناتین از سه موومان و به ترتیب **Rondo, Aria, Allegro** شده است. که ترتیب موومان های تند-کند-تند در آن رعایت شده است. در مورد موومان یک آن شاید بتوان گفت شمایی از یک سونات بسیار تغییر یافته را در درون خود دارد. چرا که قسمت های ارائه تم، بسط و گسترش و بازگشت را داراست ولی به صورتی کاملاً متفاوت با شرایط عادی یک فرم سونات مثلاً دارای سه گروه تم است و همچنین در قسمت بازگشت فقط به تم اول از گروه اول آن هم به صورت کوچک شده می پردازد که البته این اتفاقات از خصایص جدا نا شدنی از موسیقی قرن بیستم است.

فهرست:

| | |
|---------|----------------------------------|
| ۸..... | مقدمه..... |
| ۹..... | موسیقی باروک..... |
| ۱۸..... | بیو گرافی گئورگ فردریش هندل..... |
| ۲۰..... | موسیقی قرن بیستم..... |
| ۲۴..... | بیو گرافی ژان دوفای..... |
| ۲۵..... | آنالیز سونات شماره ۴ هندل..... |
| ۲۸..... | آنالیز سوناتین دوفای..... |
| ۳۰..... | نمودارهای فرم قطعات..... |
| ۳۱..... | منابع و مآخذ..... |
| ۳۲..... | پارتیسیون..... |

مقدمه:

سنت شکنی و میل به خلق فرم‌ها و قالب‌های جدید موضوعی است که نمی‌توان آن را به موسیقی معاصر و دوران حال نسبت داد چرا که این میل را می‌توان در آثار آهنگسازان بسیار کهن هم یافت.

نکته اصلی این است که در هر دوران عواملی دست‌خوش تغییرات می‌گردد که برای انسان‌های دوران بعد امری عادی است و شاید این علت آن باشد که سنت شکنی انسان‌های کهن آن چنان به چشم انسان‌های حال حاضر نمی‌آید. در اینجا به بررسی دو اثر می‌پردازیم که در هر دو با عواملی که نمود واقعی سنت شکنی است روبرو می‌شویم ولی با رویکردهای کاملاً متفاوت.

اثری از دوران باروک، که در آن اوج این سنت شکنی در قالب فرم و یک تغییر و جابجایی در ترتیب قرارگیری موومان‌ها است. همچنین اثری از قرن بیستم که سنت شکنی در آن در فرم، هارمونی و همچنین ارائه جملات موج می‌خورد. گاه خلاقیت آن چنان در تار و پود سنت می‌نشیند که شاید دیگر نتوان آثاری از آن سنت را در قالب خودش جست.

موسیقی باروک

هنر باروک را در یک توصیف ساده این گونه می توان تعریف کرد که هنر باروک چارچوب اثر را از کنش و حرکت انباشته می کند. چنین سبکی باب طبع اشرافیت بود که خود نیز به ساختارهایی کامل و یکپارچه می اندیشیدند. البته یکی از علل مهم بوجود آمدن سبک باروک نیاز کلیساها برای جذاب تر ساختن آداب نیایش با استفاده از کیفیت های هنر آن دوران بود. البته در آن دوران طبقه متوسط نیز بر گسترش این سبک تاثیر گذار بودند و از هنر آن دوران استفاده می کردند. ورود به سبک باروک البته با کشف های عملی نیز همراه بود. هنر باروک آمیزه ی خودگرایی و نفس پرستی، آمیزه ای از ساده گرایی و معنویت است.

موسیقی در سبک باروک در میان سال های ۱۶۰۰م تا ۱۷۵۰م شکوفا شد. از آهنگسازان مهم این دوره گئورگ فریدریش هندل و یوهان سباستین باخ بود. و البته نشانه پایان این دوران هم مرگ باخ است. از دیگر آهنگسازان این دوران کلودیو مونتته وردی، آرکانجلو کورلی و آنتونیو ویوالدی و... را می توان نام برد.

دوران باروک را به سه دوره تقسیم می کنند. باروک آغازین بین سالهای ۱۶۰۰م تا ۱۶۴۰م، باروک میانی بین سالهای ۱۶۴۰م تا ۱۶۸۰م و باروک پایانی بین سالهای ۱۶۸۰م تا ۱۷۵۰م بوده است. که البته معروفترین آثار دوره باروک در باروک پایانی اتفاق افتاده است. البته دوران باروک آغازین را انقلابی ترین دوره باروک می توان نامید. که در این دوران اپرا پدید آمد. در این دوران بود که بافت هوموفونیک جای بافت پلی فونیک رنسانس را گرفت. که البته در باروک پایانی بار دیگر به بافت پلی فونیک توجه شد.

از مشخصات دیگر این دوران احساسات تند و تیز و همچنین استفاده از دیسونانت ها و آکورد های ناپایدار بود. در این دوران ملودی بخش سازی در مقابل بخش آوازی مورد استفاده قرار گرفت. تا آن دوره بخش سازی فقط به عنوان مضاعف کننده بخش آوازی استفاده می شد.

در دوران باروک میانی کم کم مد های کلیسایی جای خود را به گام های ماژور و مینور سپردند و از ویژگیهای مهم این دوران توجه بیش از پیش به موسیقی سازی است که البته ساز های خانواده ویولن از اهمیت ویژه ای برخوردار بودند. در دوران باروک پایانی تاکید بر استفاده از گرایش آکورد دومینانت به آکورد تونیک به وجود آمد و موسیقی سازی برای نخستین بار اهمیتی هم پای موسیقی آوازی یافت.

ویژگی های موسیقی باروک

در این دوران مهم ترین ویژگی که وجود داشته وفاداری به یک حالت در طول قطعه بود. برای مثال اگر قطعه ای بیان گر حزن باشد این حزن در سراسر قطعه حکم فرماست.

برای بیان این حالت های یکسان آهنگسازان الگو های ریتمیک و ملودیک خاصی را ایجاد کرده اند که همین موضوع باعث ایجاد تشابه در قطعات این دوران شده است .

ریتم

آن چیز که قطعات این دوران را بیش از هر چیز به هم مشابه می کند وجود و حضور الگو های ریتمیک یکسان و شبیه به هم است .

ریتم در این دوران به گونه ای است که کمتر ایست و وقفه در ملودی احساس می کنیم و همین تسلسل باعث حرکت و پیشبرد قطعه می شود و البته در این دوران تاکید بر ضرب بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته شد .

ملودی ها نیز در این دوران مانند ریتم آن دارای پیوستگی و یکنواختی است. با ارائه یک ملودی در ابتدای قطعه شاهد حضور آن بارها و بارها در سطح های مختلف صوتی در طول قطعه هستیم و این ملودی بی وقفه گسترش می یابد ولی در طول این گسترش اصل ملودی تغییر نخواهد کرد . در این دوران ملودی ها بیش تر از فواصل کوتاه و نزدیک به هم ایجاد می شود و به خاطر ریزه کاریها و تزئینات و همچنین استفاده از تعداد نت های پشت سر هم در یک تم اغلب حفظ کردن تم ها دشوار است و همیشه ملودی ها حس پویایی و گسترش و تحرک را القا می کند .

بافت

بافت غالب در این دوران پلی فونیک است، که در آن دو یا چند خط ملودیک برای جلب توجه شنونده همزمان شنیده می شوند. در این ملودی ها از تکرار بسیار استفاده می شود. مثلاً یک ملودی که در یک سطح ارائه می شود در سطوح دیگر نیز شنیده می شود البته لازم به ذکر است که تمام قطعات این دوران از بافت پلی فونیک برخوردار نیستند و آهنگسازان از بافت های دیگر نیز بهره می جستند مثلاً هندل از تضاد میان بخش های پلی فونیک و هوموفونیک در قطعاتش بهره می جست.

دینامیک

دینامیک در این دوران به صورت یک دفعه تغییر می کند از قوی به ضعیف و بر عکس و در آن دوران تغییر تدریجی دینامیک شنیده نمی شود، یکی از دلایل مهمی که باعث استفاده دینامیک پله ای می شده وجود ساز های آن دوران بوده که امکان اجرای دینامیک های تدریجی را نداشتند البته شاید نوازندگان در آن دوران برای بیان حالات بیانی از تدابیری خاص استفاده می کردند ولی آنچه معلوم است دینامیک مورد استفاده آن دوران دینامیک پله ای بوده است.

هارمونی

در دوران باروک پایانی به آکوردها توجه ویژه ای شد بر خلاف دوره های قبل که آکورد ها فقط محصول جانبی حرکت خط های ملودیک بودند، در این دوران آهنگسازان به آکورد ها توجه خاصی کردند تا آنجایی که در برخی آثار خود ملودی ها را متناسب با توالی یک سری آکورد نوشتند. این توجه به آکورد رفته رفته باعث شد

تا به خط باس توجه ویژه ای شود و روش باسوکنتیتو نو پدید آید. که در آن به اضافه توجه به آکورد ها، خط باس نیز از توجه ویژه ای برخوردار شد .

فرم های رایج موسیقی باروک

بر خلاف آنکه یک قطعه در موسیقی باروک دارای حالتی یکنواخت است ولی بسیاری از آثار باروک در بردارنده چند موومان است که حالات مختلفی را بیان می کنند، به این ترتیب که در موومان یک به بیانی با جنب و جوش می پردازد در موومان دوم آرامش و وقار را بیان می کند و در موومان سوم به بذله گویی می پردازد .

مهم ترین فرم هایی که در این دوران می بینیم فرم فوگ ، کنسرتو گروسو و اپرا است که نماد واقعی این دوران است .

کنسرتوگروسو

یکی از اصول و مشخصه ی دوران باروک، تضاد میان صداهای قوی و ضعیف است که این اصل باعث ایجاد فرم کنسرتوگروسو شد.

در این فرم گروهی کوچک از تک نوازان با گروهی بزرگ تر که (توتی) نامیده میشود واداشته شدند .

به طور معمول دو تا چهار تک نواز به اجرای موسیقی در مقابل هشت یا شمار بیشتری از نوازندگان توتی می پردازند .

توتی از سازهای زهی به همراهی کلاوسن تشکیل می شود در این فرم تک نواز با اجرای خطوط ملودیک پرزینت و درخشان، فردیت و جاذبه ی موسیقایی خود را به نمایش می گذرانند. به علت سختی پارت تک نوازان در آن دوره دستمزدشان هم بالاتر بوده است .

یک کنسرتو گروسو اغلب از سه موومان تشکیل شده است:

۱ - تند - ۲ - کند - ۳ - تند

در موومان اول با موسیقی چالاک تضاد میان توتی و تک نوازان به نمایش گذاشته می شود موومان دوم حالت آرام و تغزلی دارد و در موومان آخر به اجرای موسیقی سرزنده و شوخ می پردازد که اغلب کیفیتی رقص گونه دارند .

موومان اول و آخر در کنسرتو گروسو دارای فرم ریتورنلو هستند . این فرم مبتنی بر اجرای موسیقی میان بخش های توتی و تک نوازان است البته ریتورنلو یک تم گردان است که بخش توتی آن را اجرا می نماید و آن تم همواره توسط توتی نواخته می شود و در تونالیتته های گوناگون بازی می کند و در آخر موومان تم به طور کامل و در تونالیتته اصلی باز شنیده می شود.

طرح یک موومان کنسرتو گروسو می تواند بدین شکل باشد .

۱ - a . توتی ، تم ریتورنلو در تونالیتته مبدا

b . سولو

۲ - a . توتی ، تکه ای از ریتورنلو

b . سولو

۳ - a . توتی ، تکه ای از ریتورنلو

b . سولو

۴ - توتی ، ریتورنلو در تونالیته مبدا

بخش سولو معمولا در تضاد با ریتورنلو ی توتی است ولی البته گاهی بخش سولو از تم ریتورنلو هم استفاده کرده و آنرا بسط می دهند .

فوگ

مهم ترین فرم و یا حتی معرف دوران باروک فرم فوگ است که اثری است پلی فونیک مبتنی بر یک تم اصلی که سوژه نامیده می شود و می تواند برای گروه سازی آوازی و یا ساز تک باشد. در فوگ بم ترین بخش یعنی باس تا زیر ترین بخش یعنی سوپرانو سوژه را تکرار می کند و در مقابل بخش سوژه کمتر سوژه را داریم و در زمان اجرای این دو بخش، بخش های دیگر به اجرای کمتر پوآن آزاد می پردازند . در طی یک فوگ سوژه کم و بیش ثابت مانده ولی با انتقال به تونالیته های مختلف و همچنین با ایده های گوناگون معنی تازه ای می یابد .

سوژه همواره بدون همراهی در ابتدای قطعه معرفی میشود و آهنگساز با این روش سوژه را به شنونده گوشزد می کند در فاصله ارائه های سوژه، قسمت های انتقالی و بینابینی به نام اپیزود می آیند که به عرضه موارد ملودیک تازه یا تکه هایی از سوژه و کمتر سوژه می پردازد . اپیزود در فوگ باعث تنوع و تازگی می شود.

بخش های متداول در فوگ :

یکی از این بخش ها استرتواست که در آن سوژه پیش از نمود کامل تقلید می شود . یک خط، خط دیگری را دنبال می کند و می خواهد آنرا به چنگ آورد . یک روند دیگر نت پدال است که در آن یک صدای منفرد اغلب در خط باس نگه داشته و خطهای دیگر هارمونی دگرگون شونده را ایجاد می کند .

سوژه فوگ به چهار روش دگرگون می شود ۱- وارونگی ۲- حرکت پس رونده (رتروگراد) ۳- افزایش ۴- کاهش

فوگ حالتی یک نواخت دارد و هم به عنوان موومانی از یک قطعه و هم به عنوان قطعه مستقل استفاده می شود که البته هر گاه به عنوان قطعه مستقل بیاید اغلب با قطعه ای کوتاه به عنوان پرلود همراه است .

اپرا

اپرا در ایتالیا پا به عرصه وجود گذاشت. زمینه پیدایش آن بحث های گروه کوچکی از شعرا، اشراف و آهنگسازان در باره موسیقی و در فلورانس بود . این گروه کامراتا نام داشت . کامراتا خواستار سبک آوازی نوینی مبتنی بر تراژدی یونان باستان بودند. سبک آوازی نو به سبب مطابقت با سبک گفتار گونه رسیتاتیف شناخته شده و از بافت پلی فونیک استفاده شد تا متن قابل فهم باشد . بسیاری از اپرا های این دوران برای مناسبت های تشریفاتی دربار با موضوعات اساطیری یونان باستان بوده است . اپرا در باروک باعث ظهور آواز خوانان و ویرتوئوز شد و مهم ترین آنها کاستراتو ها

بوده اند . آنها آوازه خوانان مذکری بوده اند که پیش از بلوغ اخته می شدند که قدرت صدای یک مرد و گستره ی صوتی صدای یک زن را داشتند.

اپرا های دوران پایانی باروک از آریاهایی تشکیل می شدند که با رسیتاتیف هایی به یکدیگر متصل می شدند. این رسیتاتیف ها اغلب با باسوکونتیانو همراه بودند که به آنها رسیتاتیف سگّو می گویند . و اگر در لحظات اوج با ارکستر همراه می شد. رسیتاتیف همراهی نامیده می شد .

فرم آریا ها به صورت **ABA** بوده و به آن آریاداکاپو می گفتند.

بیوگرافی گئورگ فریدریش هندل

گئورگ فریدریش هندل در سال ۱۶۸۵ م. در شهر هاله آلمان متولد شد .

پدرش آرایشگر بود و دوست داشت او حقوق بخواند ولی او در ۹ سالگی آنچنان استعدادی از خود نشان داد که پدرش او را نزد ویلهم زاخو آهنگساز و ارگ نواز برای تحصیل موسیقی فرستاد. او در یازده سالگی نه تنها آهنگسازی می کرد بلکه به توانایی تدریس ارگ هم رسیده بود . او وقتی ۱۲ ساله بود پدرش را از دست داد و در ۱۷ سالگی به خاطر احترام به پدر برای تحصیل حقوق به دانشگاه هاله رفت . ولی پس از یک سال دانشگاه را رها و به هامبورگ رفت. او مردی تند خو و سر سخت بود و همواره موفقیت های بسیاری را در کشور های آلمان و ایتالیا و انگلستان بدست آورد.

هندل در سال ۱۷۴۱ م. یعنی سال ساخت اوراتوریوی مسیح به یکباره ساختن اپرا را کنار گذاشت. وی ترجیح می داد همواره در مجامع عمومی با چهره ای گرم شده و لباس فانتزی ظاهر شود. او از نظر شخصیتی خلاف عرف جامعه خویش بود . در سال ۱۷۵۱ م. عمل جراحی بر روی چشم او انجام شد که ناموفق بود و منجر به

نابینا شدن او در سال های آخر عمر او شد . او گرچه نابیناشده بود ولی به رهبری و اجرای کنسرتوهای ارگ می پرداخت .

او در ۱۴ آوریل ۱۷۵۹ در لندن در گذشت و ۳۰۰۰ تن در مراسم خاکسپاری او در کلیسای وست مینستر شرکت کردند . او ثروتمند و فرهیخته بود و آهنگسازی چیره دست که حس دراماتیکش به ندرت همتایی داشته است .

موسیقی قرن بیستم

از سال ۱۹۰۰م یعنی آغاز سده بیست، برای موسیقی هم مانند تمام هنرها دوران پرآشوبی بود و در این دوران گرایش‌ها و دگرگونی‌های بنیادی به وجود آمد و به سرعت از سنت‌های رایج فاصله گرفتند گسیختگی از سنت‌ها آنقدر تند و گیرا بود که با خصومت بر اعتراضات شدید روبرو شد. مثلاً در اجرای باله آیین بهار اثر استراوینسکی آنقدر این تضادها بالا گرفت که حتی پای پلیس هم برای از بین بردن آشوب به میدان باز شد. البته اینک همان سنت شکنی‌ها آنقدر رایج شده است که بسیار معمول و عادی می‌نمایند.

یکی دیگر از مسائلی که در آهنگسازی اتفاق افتاد این بود که دیگر اتفاقات در یک قطعه قابل پیش‌گویی نبودند و شنونده نمی‌توانست اتفاق بعدی را حدس بزند در حالی که این موضوع تا پیش از قرن بیست وجود نداشت.

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت تناسب عالی بین تنوع سبک‌های موسیقی و نوع زندگی مردم این قرن است، که با حق انتخاب درمورد استفاده از امکانات متنوع